

خواصی که شدند

عوام کسانی هستند که تابع اتفاقات و جریانات در جامعه هستند اگر همه یا اکثریت کاری را کردند آنها نیز می‌کنند خودشان تحلیلی از وقایع ندارند. جریان قوی به هر سمت که رفت آنها نیز به همان سمت می‌روند. حال اگر جریان قوی جریان درست بود و رهبری جامعه در دست افراد صالح بود آنها نیز به ضرب دست خویشان به سمت درست هدایت می‌شوند و اگر جریان قوی در جامعه جریان اشتباه بود. آنها نیز به سمت اشتباه می‌روند. خواص کسانی هستند که خود مسائل را تحلیل می‌کنند بر اساس تفکر و تحلیل اقدام می‌کنند.

خواص در هر جامعه‌ای دو گروه هستند خواص طرفدار حق و خواص طرفدار باطل، نقش خواص طرفدار باطل که مشخص است در همه جا از جمله حادثه کربلا هر جا حقی را دیدند با آن، با تمام قوا مخالفت کنند و اما خواص حق، به دو گروه تقسیم می‌شوند، کسانی که اگر وقتی دین با دنیای آنها معارضه پیدا کرد حاضرند دنیا را فدای دین بکنند و کسانی که در چنین مواقعی دین را فدای دنیا می‌کنند.

در جریان حادثه عاشورا خواص طرفدار حق کم نیستند ولی اغلب مرجع دنیا بر دین هستند برای این می‌بینیم که نامه‌های زیادی به امام حسین (ع) نوشته می‌شود حدود ۱۲ هزار نامه همه نیز نامه‌های خواص کوفه است نامه‌های سران آنها است آنها سران و خواص جبهه حق هستند ولی چون دنیا برایشان خیلی مهم است نتیجه این می‌شود که علیه امام حسین (ع) عمل می‌کنند. در غیر کوفه نیز سران و خواص جبهه حق هستند کسانی مثل عبید الله بن زبیر که به خاطر اعتراض به حکومت از مدینه به طرف مکه حرکت کرده‌اند و حاضر نشده‌اند یا یزید بیعت کنند ولی آنها نیز بیشتر از آنکه به فکر اسلام باشند به فکر خودشان هستند.

آری وقتی آرمان‌ها و معیارها عوض شود چیزی جز این هم انتظار نمی‌رود وقتی عبودت خالص برای خدا جایش را به عبودیت جاه و مقام و مال بدهد و هدف اصلی دنیا بشود آن وقت عمر سعد هم بین حکومت ری و حمله نکردن به امام حسین (ع) حکومت ری را انتخاب می‌کند و به آن نیز نمی‌رسد. وقتی عدالت جایش را به امتیازات وافر بدهد نتیجه این می‌شود که صحابه پیامبر از بزرگترین سرمایه داران اسلام می‌شوند.

مطلب دیگر آنکه تصمیم لازم در وقت لازم گرفته شود و در وقت لازم هم بدان عمل شود. در جریان کربلا و در کوفه در جریان قتل مسلم (ع) خواص طرفدار حق که مرجع دین بر دنیا بودند کم نیستند درست است که طرف دیگر بیشتر است ولی تعدادی هم هستند که در کوفه به کربلا می‌روند و تعداد بیشتری هم در قیام توابعین حضور دارند تعداد نفرات در قیام توابعین چند برابر کربلا است ولی مطلبی که هست این است که در لحظه‌ای که باید تصمیم نمی‌گیرند تردید می‌کنند یا در عملی کردن آن تردید می‌کنند و گرنه تا وقتی که مسلم بود چند بار می‌شد حمله کرد و او را از پای در آورد.

اولین بار وقتی مسلم در خانه هانی است و هنوز ابن زیاد قدرت نگرفته می‌شد با یک حمله کار را یکسره کرد و ابن زیاد را دستگیر کرد و بار دوم پس از دستگیری هانی که مردم در مسجد کوفه اجتماع کرده‌اند خواص طرفدار حق آنهایی که حاضر بودند دنیا را فدای دین کنند می‌توانستند با ایستادن و حمایت کردن و دعوت کردن مردم به پایداری بر سر بیعت با مسلم و ترتیب

دادن یک حمله به دارالاماره پیش از آنکه ابن زیاد و اطرافیانش بتوانند کاری را بکنند او را بکشند و غائله را ختم کنند ولی به موقع تصمیم نگرفته و اگر گرفتند هم تردید کردند و بدان جامعه عمل نپوشاندند و بار سوم وقتی که مسلم در خانه طوعه بود اگر در اطراف او گرد می‌آمدند بعید بود بتوانند او را بکشند مسلم وقتی تنها بود هم چند بار حمله کردند می‌آمدند دفاع می‌کردند مردم هم دوباره جمع می‌شدند ورق برمی‌گشت. و بار چهارم هم وقتی هانی را داشتند می‌بردند که شهید کنند می‌توانستند به عنوان جواب دادن به دعوت او که مردم و قومش را به یاری دعوت می‌کرد می‌رفتند و او را نجات می‌دادند و حمله‌ای را نیز به ابن زیاد ترتیب می‌دادند و او را می‌کشتند بعد هم امام حسین (ع) به کوفه می‌رسیدند و حکومت تشکیل می‌دادند ولی خواص طرفدار حق خیلی دیر تشخیص دادند که چه باید بکنند و دیر عمل کردند. نکته دیگر این است که آنچه لازم است که در وقت لازم باید انجام داد چرا که یک عبرت و تجربه تاریخی برای خواص انقلاب، که در رفتارهای فردی اجتماعی خود بازبینی و پرونده تصمیم‌گیری‌های کند و یا عجلولانه بازخوانی کنند و متغیر زمان را نباید فراموش کرد و الا فرقی بین خواص و عوام نیست، این نگاه که برای خیلی از کارها فردا دیر است اکنون باید تشخیص داد و اکنون تصمیم گرفت و اکنون عمل کرد و نباید مسئولیت را بر عهده دیگران انداخت.

شالوده اندیشه رهبر انقلاب در سخنرانی تاریخی وی در خصوص «عوام و خواص» است.